

OCTOBER

۱۱۱

اکتبر

۲۶ مهر ۱۳۸۵ ۱۸ اکتبر ۲۰۰۶ دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی (جمه سور)

سردبیر: عبدالله شریفی

بزرگ است که باید در پیشاپیش جامعه گرفته بشود. جالب است که بخشهای زیادی از چپ رادیکال سالیان متمادی این انزوا و اختفای تحمیلی را داده ها و مشخصات و سنتهای اثباتی جنبش خویش و منبعث از ذات کمونیسم پنداشته اند و حتی تقدیس کرده و نشان انقلابیگری خویش شمرده اند. حزب کمونیست کارگری متنهاست این سنتهای بدلی را پشت سر گذاشته است. علنیت کنگره یک گام منطقی در جهتی است که ما در این سالها در جهت ایجاد یک جنبش کمونیستی قوی و اجتماعی پیموده ایم. حزب کمونیست کارگری در این چند سال اخیر رشد خیره کننده ای در ایران کرده است. اکنون حزب در ایران وسیعاً شناخته شده است و دوستاناران بسیار زیادی دارد. حزب کمونیست کارگری از

کمونیستها و ایده کمونیسم از بستر اصلی جامعه و زندگی هرروزه مردم، بریدن رابطه حزب با جامعه و طبقه کارگر، یک سیاست آگاهانه دیکتاتوری ها و رسانه های عظیم بورژوازی است و میلیاردها دلار و هزاران شکنجه گاه و میدان اعدام صرف آن شده و میشود. این انزوا و اختفا حق انتخاب کمونیسم را بعنوان یک آلترناتیو و یک آینده از مردم و طبقه کارگر سلب میکند. نباید به این تسلیم شد. شاید اختفا یا علنیت تاثیر زیادی در کار یک گروه کوچک تبلیغگر یا یک محفل فکری نداشته باشد. اما یک حزب سیاسی، جنبشی که به قدرت سیاسی و ایجاد تغییرات مادی در زندگی نسلی از انسانها فکر میکند، حزبی که میدانند باید بزرگ و قدرتمند باشد، نمیتواند به این سناریوی بورژوازی گردن بگذارد. کنگره یک حزب سیاسی یک پرچم

درباره کنگره سوم حزب گفتگو انترناسیونال هفتگی با منصور حکمت



انترناسیونال هفتگی شماره ۲۰
۲۵ شهریور ۱۳۷۹ - ۱۵ سپتامبر ۲۰۰۰

بود و بنظر من تصمیم بسیار بجا و درستی است. خیلی ها، مستقل از درجه دوری و نزدیکی شان به حزب ما این اقدام را تأیید کرده اند و حتی به حزب تبریک گفته اند. این یک قدم دیگر به جلو در مسیر تبدیل کمونیسم از یک حرکت مکتبی و فرقه ای و شبه مذهبی، به یک حزب سیاسی است. یک حزب سیاسی بزرگ و در دسترس مردم، نور کردن

سوال:
از نکته ای شروع کنیم که تازه ای دارد و توجه زیادی را به خود جلب کرده است، یعنی علنی بودن کنگره و باز بودن آن بروی عموم. این تصمیم چطور گرفته شد و مبنایش چیست؟
منصور حکمت:
این تصمیم آخرین پلنوم کمیته مرکزی

در صفحات دیگر

ابراز وجود قدرتمند چند واحد مسلح گارد آزادی در نقاط مرکزی شهر مریوان!

جایزه ادبی نوبل به پاموک
نویسنده ترکیه
دریچه ای به روی جدال انسانیت
و جهالت ناسیونالیستی



ایرج فرزاد

محاکمه چند باره کارگران
سقز را محکوم میکنم!



برهان دیوارگر

در کنگره اول حزب حکمتیست شرکت کنید!

کنگره اول حزب حکمتیست، روزهای ۲۱ و ۲۲ اکتبر در آلمان، بصورت علنی برگزار میشود!



اولین کنگره حزب حکمتیست ۲۱ و ۲۲ اکتبر امسال در آلمان برگزار میشود. این کنگره علنی و شرکت برای همگان در آن آزاد است. حزب ما برای تحقق آرمانها و آرزوهای مردم ایران، برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک دنیای آزاد و برابر، یک دنیا بهتر، مبارزه میکند. کنگره ما، محل تصمیم گیری در مورد بهترین راه دخالت ما در متحقق کردن این آرمانها، به قدرت خود مردم است.

شما هم میتوانید به این جمع بپیوندید و در کنار اعضا و فعالین این حزب با ما از نزدیک آشنا شوید. میتوانید در این اجتماع بحث و دخالت کنید. کنگره حزب حکمتیست به همه کسانی که علاقمند اند که این حزب را از نزدیک بشناسند، با مکانیسم های تصمیم گیری آن، رهبری، کادرها، اعضا و فعالین آن از نزدیک آشنا شوند، دعوت میکنیم که در کنگره ما شرکت کنند. کنگره حزب حکمتیست به همه علاقمندانی که میخواهند در آن شرکت کنند، خوش آمد میگوید.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

نظر مردم یکی از سه چهار جریان اصلی در صحنه سیاست ایران شمرده میشود. کنگره چنین حزبی دیگر نمیتواند پشت درهای بسته و دور از نگاه مردم و جامعه برگزار شود. این کنگره یک اتفاق عمومی است. به عموم مربوط است و باید در دسترس عموم باشد. گمان میکنم همه نیروهای اپوزیسیون صحت این اقدام ما و وسعتی که اینکار به فضای فعالیت و تنفس اپوزیسیون از هر گرایشی میدهد را درک کرده اند. این کنگره همه را یک گام به جلو میبرد. موازین جدید و پیشرو تری را تعریف میکند

سوال:

در همین رابطه مساله لیست مدعوین به کنگره مطرح میشود. این لیست بسیار وسیع است و کمابیش همه احزاب و گروههای عمده اپوزیسیون و اکثر شخصیتهای سیاسی را از راست و چپ در بر میگیرد. این سیاست به چه نیازی پاسخ میدهد؟

منصور حکمت:

هدف ما همین شفافیت و علنیت است. این دعوت قرار نیست و نمیتواند هیچ فاصله سیاسی ای میان ما و مدعوین را بر کند. نفس تنوع مدعوین این را از هر توضیحی بی نیاز میکند. ما هیچ فیلتری نگذاشته ایم، هیچ ضابطه ای مبنی بر دوری و نزدیکی مدعوین با حزب را ملاک قرار نداده ایم. تنها شرط این بوده است که اپوزیسیون باشند. ما از سازمانهای چپ، مجاهدین، طیف اکثریت، ملیون و سلطنت طلبان و نهادها و شخصیتهای مختلف وسیعاً دعوت کرده ایم در این کنگره میهمان ما باشند. و براساسی از شرکت هر کدام و همگی استقبال میکنیم. کاش همه بخواهند و بتوانند بیایند. اما ایداً فرض نکرده ایم که کنگره ما عملاً به چنین محل تجمعی بدل خواهد شد. این دعوت تاکیدی بر این واقعیت است که این کنگره در دسترس همه این جریانات و جنبشهاست. اگر بخواهند میتوانند نگاهش کنند، قضاوتش کنند. ما را بهتر بشناسند. سیاست خود را در قبال ما با آگاهی بیشتری تعیین کنند. این کنگره و تجمعات احزاب سیاسی دیگر باید بتواند در ایران بطور امن و باز و علنی و با پوشش رادیو تلویزیونی و رسانه ای برگزار بشود. استبداد و خفقان این حق را از ما و مردم سلب کرده است. در یک شرایط آزاد شاید دعوت چنین لیست وسیعی بدون ملاک سیاسی مورد نداشته باشد. اما در غیاب علنیت و شفافیت سیاسی واقعی در دل جامعه ایران، ما به این احزاب و شخصیت های مدعو بعنوان سمبل ها و جانشینانی به نیابت توده وسیع مردم، از هر رنگ و فکر و سیاست، نگاه میکنیم که حق داران و نمایندگان ما هستند.

بگذارند و از این طریق درک مطالعاته تری از حزب ما و جنبش کمونیسم کارگری بدست بیاورند. این گذاشتن

سوال:

آیا هنوز میتوان بعنوان ناظر ثبت نام کرد؟

ما داریم حق دیگران را در بازرسی و نظارت برخورد برسمیت میشناسیم و متقابلاً حق خود میدانیم که با یک فرهنگ سیاسی باز و شفافیت در جنبشها و احزاب دیگر روبرو باشیم. این، هم درست است و هم به همین دلیل به نفع امر اجتماعی ماست. یک جنبش برابری طلبانه، آزادیخواهانه، انساندوست و رادیکال هرچه بیشتر و از نزدیک تر دیده بشود و بتواند دیده بشود بهتر است. هرچه قلمرو سیاست در جامعه بازتر و شفاف تر باشد، هرچه فرهنگ سیاسی غنی تر باشد، به نفع آزادیخواهی و انساندوستی است. به نفع کمونیسم است.

منصور حکمت:

هنوز میشود. اما وقت زیادی باقی نیست. از نظر رسمی شنبه آینده روز آخر است. مشکل ما امکانات خوابگاهی است. تا بحال حدود ۱۳۰ نفر ثبت نام کرده اند. هفته آینده موقعیت را جمع بندی میکنیم و اگر هنوز جایی باقی مانده باشد اطلاع خواهیم داد. فعلاً هنوز علاقمندان را تشویق میکنیم ثبت نام کنند. منتهی دیگر باید عجله کنند.

خشت های یک فرهنگ سیاسی متفاوت است. ما داریم حق دیگران را در بازرسی و نظارت برخورد برسمیت میشناسیم و متقابلاً حق خود میدانیم که با یک فرهنگ سیاسی باز و شفافیت در جنبشها و احزاب دیگر روبرو باشیم. این، هم درست است و هم به همین دلیل به نفع امر اجتماعی ماست. یک جنبش برابری طلبانه، آزادیخواهانه، انساندوست و رادیکال هرچه بیشتر و از

اگر این کنگره، مقطع اعلام موجودیت یک حزب سیاسی باشد که پیروزی خود را ممکن میداند و این شهامت را دارد که این پیروزی را بخواهد، آنوقت بنظر من فعالیت حزب کمونیست کارگری پس از کنگره سرعت دگرگون خواهد شد. در بحثهای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" در این یکی دوسال تصویری از آنچه بنظر من باید باشیم و بشویم داده ام. از نظر من کنگره سوم میتواند گام بلندی برای تحقق این تصویر بردارد

سوال:

دستور جلسات کنگره چیست؟

منصور حکمت:

دستور جلسات را نهایتاً خود اجلاس اول کنگره تعیین خواهد کرد. ما بعنوان کمیته مرکزی حزب دستور پیشنهادی و قطعنامه های خود را در اختیار کنگره میگذاریم. تعدادی قرار و قطعنامه هم تا همینجا از نمایندگان آمده است. کنگره هر کدام را بخواهد در دستور میگذارد. از قبل از کنگره همه اسناد در اختیار همه نمایندگان قرار میگیرد و تعداد زیادی از سخنرانان (کسانی که باید قرار ها و قطعنامه ها را معرفی کنند و همچنین سخنرانان مخالف هر کدام از اسناد) از پیش معلوم خواهد بود. کنگره دو روز بیشتر وقت ندارد. علاوه بر مباحثات حول قطعنامه ها و قرارها، باید کمیته مرکزی جدید حزب را هم انتخاب کند. حداقل دستور پیشنهادی فعلی ما برای کنگره عبارت است از گزارشات، بررسی اوضاع سیاسی ایران و روندهای آتی، موقعیت طبقه کارگر و جنبش کارگری در متن تحولات سیاسی جاری، موقعیت و وظایف ویژه حزب کمونیست کارگری در اوضاع کنونی، مساله مالی حزب، انتخابات کمیته مرکزی. موضوعات متعدد و مهم دیگری هم هست که امیدواریم کنگره

نزدیک تر دیده بشود و بتواند دیده بشود بهتر است. هرچه قلمرو سیاست در جامعه بازتر و شفاف تر باشد، هرچه فرهنگ سیاسی غنی تر باشد، به نفع آزادیخواهی و انساندوستی است. به نفع کمونیسم است.

سوال:

ناظرین زیادی ثبت نام کرده اند. آیا شرط و شروطی، برای قبول ناظرین وجود داشته است، مثلاً عضویت در حزب یا نزدیکی به حزب؟

منصور حکمت:

خیر، هیچ شرطی وجود نداشته است. خیلی از ناظرینی که ثبت نام کرده اند نزدیکی ای با حزب ندارند. ما هیچ سوالی در مورد زندگی و عقاید و پیشینه و تعلق سازمانی علاقمندان نمیکنیم. اسم و کشور خود را به ما میدهند. هزینه ورودیه جلسه و خوابگاه را میپردازند و ثبت نام میکنند. از استقبال وسیعی که از کنگره شده است خیلی خوشحالیم. تعداد زیادی از آمریکا و کانادا و استرالیا و از کشورهای مختلف اروپا با هزینه گزاف دارند به کنگره میایند. عده ای از ایران ابراز تمایل کرده اند که متأسفانه حتی اگر خروج از ایران برایشان مقدور باشد، ورودشان به "قلعه اروپا" به این

آنها داشته باشد.

سوال:

فکر میکنید کنگره چه نقطه عطفی در فعالیت حزب کمونیست کارگری ایران خواهد بود یا باید باشد؟ آیا شاهد تغییرات محسوسی پس از کنگره خواهیم بود؟

منصور حکمت:

بنظر من این کنگره باید حزب را متوجه موقعیت ویژه و استثنائی خود کند. کنگره باید محل تولد یک حزب سیاسی به معنی واقعی کلمه باشد. کنگره باید این حزب را متوجه وظایفی بکند که اوضاع سیاسی حد ایران در مقابلش قرار میدهد. یک فرصت تاریخی برای کمونیسم ایران فراهم شده است. یک میدان و فرجه بسیار بسیار کوچک برای عمل. اما عملی تاریخساز و زیر و رو کننده نه فقط در رابطه با ایران بلکه در رابطه با دنیای معاصر. این فرصت را بسادگی میشود از دست داد. اما اگر درست عمل کنیم، اگر جوهر واقعی این اوضاع را درک کنیم، میتوانیم حتی روی سرنوشت

قرن بیست و یکم تاثیر بگذاریم. به قدرت رسیدن کمونیسم کارگری در تحولات آتی ایران از پیش منتفی نیست. کاری بسیار عظیم میخواهد و توانایی هایی که چه بسا ما فاقد آنیم. اما تاریخاً و از نظر عینی غیر ممکن نیست. عروج کمونیسم کارگری در ایران ابتدای قرن بعنوان یک پای واقعی جدال بر سر قدرت سیاسی و سرنوشت کشوری در این ابعاد، بی شباهت به عروج بلشویسم اوائل قرن قبل نیست. و میتواند همانقدر همه چیز را تحت تاثیر قرار بدهد. اگر کنگره ما بتواند این پیام را عمیقاً حالی همه ما، حزب و جنبش ما، بکند که "بازی شروع شده است" و این نبردی بر سر سرنوشت و کیفیت زندگی میلیونها انسان همسوره ما و پس از ماست، اگر این کنگره، مقطع اعلام موجودیت یک حزب سیاسی باشد که پیروزی خود را ممکن میداند و این شهامت را دارد که این پیروزی را بخواهد، آنوقت بنظر من فعالیت حزب کمونیست کارگری پس از کنگره سرعت دگرگون خواهد شد. در بحثهای "حزب و قدرت سیاسی" و "حزب و جامعه" در این یکی دوسال تصویری از آنچه بنظر من باید باشیم و بشویم داده ام. از نظر من کنگره سوم میتواند گام بلندی برای تحقق این تصویر بردارد.

جایزه ادبی نوبل به پاموک نویسنده ترکیه! دریچه ای به روی جدال انسانیت و جهالت ناسیونالیستی

ایرج فرزاد
iraj.farzad@gmail.com

پشت به ژنوساید ۱ میلیون ارمنی بسته بودند و آشکار و صریح و بی پرده آنرا فریاد زدند، بیش از حد گویای ماهیت عمومی ناسیونالیسم و قوم پرستی از هر نوع و رگ و تیره ای بود.

پاموک قبل از برگزیده شدن توسط کمیته جایزه نوبل، در ترکیه به خاطر توجه دادن به کشتار ارمنی ها و شهروندان کرد زبان، به اتهام خیانت به هویت مقدس "ترکی گری" (turkishness) به دادگاه سپرده شده بود و طبق اصل مقدسی که شهروند ترکیه ای را قانوناً ملزم میکند به هویت ترکی گری خیانت نکنند، محاکمه شده بود. مبارزه برای لغو این ماده قانونی، ماده ۳۰۱، یک جدال بین آزادیخواهی و ناسیونالیسم افراطی حاکم است. در همین هفته های اخیر

تعلق جایزه امسال ادبی نوبل به "اورهان پاموک" نویسنده شهروند ترکیه بخاطر نوشتن کتابی که در آن به ژنوساید ۱ میلیون ارمنی و کشتار ۳۶ هزار شهروند کرد زبان اشاره کرده است، دریچه ای را به روی ریشه های تاریخی تر پان ترکیسم و ناسیونالیسم عظمت طلب ترک باز میکند. اینکه کتاب پاموک فقط زاویه پرداختن به کشتار "کرد" ها را به روی جریانات ناسیونالیست کرد باز کرده است و بینائی آنها را نسبت به مردم "غیر" کرد و کشتار ۱ میلیون ارمنی کم سو کرده است، خود نیز یک واقعیت بود که به این بهانه، یک بار دیگر سر باز کرد. نوق و شوق جریانات قوم پرست کرد در جریان تحرک چند ماه قبل پان ترکیستها در تبریز و چشم فرو بستن آنها به تحرکاتی که

نویسنده دیگری، خانم الیف شفق، بخاطر توهین به "مقدسات" ترکی گری به محاکمه کشیده شد که البته با حمایت آزادیخواهان و وکلای مدافع خود از خطر زندان و مجازات رست. شرم آور این است که "ترکی گری" که تکیه گاه حکومت ترکیه و بویژه ارتش و ژاندارمری و نهادهای امنیتی ترکیه است، همه جنایاتی را که حکومت های "ترک" در طول تاریخ مرتکب شده اند به عنوان ستون تاریخی خود در نظر گرفته است. کشتار یک میلیون ارمنی در دوره امپراتوری عثمانی و در خلال جنگ اول جهانی صورت گرفته است. پرداختن پاموک به این مساله این رگه روانی حکومتی تاریخی پان ترکیسم را به عصبانیت کشاند. اشاره او به کشتار ۳۶ هزار شهروند کرد زبان، درست در مقطعی که ژنرال بلزنستسه ارتش آمریکا، رالستون، به عنوان فرستاده دولت آمریکا و هماهنگ کننده مبارزه با "تروریسم" پ ک ک وارد ترکیه شده است، وجه دیگر پان ترکیسم و ناسیونالیسم فاشیستی حاکم را برجسته کرده است.

در این گیر و دار یک مساله دیگر هم در صحنه سیاست ترکیه، برجستگی یافت. پارلمان فرانسه، ماده واحده ای را در همین روزها به تصویب خود رساند که طبق آن "انکار" واقعیت کشتار ارمنی ها را محکوم و قابل اقدامات تنبیهی ارزیابی کرده است. خود این مساله موجب درگیریهائی لفظی بین حکومت ترکیه و فرانسه شده است و ترکی گری حاکم بر ترکیه کار را به تحریم کالاهای فرانسه کشانده است. در بطن این کشمکشها، برخی صاحبان فروشگاههای بزرگ و زنجیره ی در ترکیه، در نگرانی از کساد بازار، فوراً اعلام کرده اند، که فروشگاه آنها، تماماً و خلاصاً "ترکی" است! سوالی که با تعلق گرفتن جایزه ادبی نوبل به پاموک برجسته شده است این است: آیا بشریت متمن، اروپای واحد، پارلمان اروپا و صف آزادیخواهی، ابزار انتقادی را که برای دفاع از هویت انسانی و اعتراض به جنایات و ژنوساید های هویت حکومتی، اداری و نظامی ترکی گری فراهم کرده است و جهان انسانیهای فارغ از جهالت

تعصبات کور و پیشداوریهای ارتجاعی ناسیونالیستی و شوینستی نشان داده است، با حساسیت و احساس مسئولیت درست خواهد گرفت؟ آیا میتوان سد و خاکریزی در برابر ژنوساید و کشتار "غیر ترک" ها بنا کرد و جنایت و کشتار و ژنوساید را نه به عنوان "مقدسات" ملی میهنی که به نام واقعی آنها یعنی جنایت و ضدانسانیت در اذهان ثبت کرد و به زباله دان تاریخ پرت کرد؟ آیا بشریت در ترکیه قادر خواهد شد که مبنای قانونگذاری، مناسبات اداری، حکومتی و موازین حاکم بر روابط اجتماعی را از دایره زهر پراکنی تعلقات خرافی و وارونه و جعلی ملی ناسیونالیستی و میراثهای تاریخی این ارتجاع، جدا و مستقل کند؟ هیچ امری بدون دخالت اراده انسان آگاه و بیرون کشیدن و به میدان آوردن هویت انسانی او که در لایبالی پوخته های خرافی پنهان است، بطور خود بخود و محتوم اتفاق نمی افتد. بشر و از جمله بشریت در ترکیه ناچار است برای بشریت و انسانیت خود مبارزه کند.

۱۵ اکتبر ۲۰۰۶

اطلاعیه شماره 2

ابراز وجود قدرتمند چند واحد مسلح گارد آزادی در نقاط مرکزی شهر میروان.

شب 12 اکتبر 2006 برابر با 20 مهرماه 1385 چند واحد مسلح گارد آزادی با جسارت و کاردانی و تامین امنیت کامل، بمدت 45 دقیقه در نقاط مرکزی شهر میروان حضور پیدا کردند. واحدهای مسلح گارد آزادی در میان استقبال پر شور مردم شهر بویژه جوانان، همزمان در محلات چهار باغ، بیمارستان و میدان فرمانداری سابق حضور یافته و اطلاعیه شماره 1 و واحد 203 گارد آزادی- میروان را که عکس چند نفر از رهبران شناخته شده حزب در آن بود پخش کردند. همچنین اطلاعیه های حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست و گارد آزادی را در رابطه با مقاومت مردم در تقابل با سلطه اختناق رژیم و یورش به معیشت مردم بویژه طبقه کارگر را پخش کرده و در همین رابطه با زنان و مردان جوانی که نورشان حلقه زده بودند و با احساس مسئولیت کامل نیز رفقای گارد آزادی را در برقراری امنیت اشان یاری می رسانند، به بحث و گفتگو پرداختند. حضور قدرتمند نیروی مسلح گارد آزادی در نقاط مرکزی شهر میروان و پخش نشریات حزبی توسط جوانان، موجی از شادی و خوشحالی را بر فضای این محلات از شهر میروان حاکم کرده و جوانان با شور و اشتیاق فراوان رفقای گارد آزادی را تا آخرین لحظات حضورشان در داخل شهر همراهی و همکاری نمودند. تعدادی از جوانان، ابتدا حضور گارد آزادی مسلح را آنهم در چنین اوقاتی از شب ابتدا با تعجب پذیرا شده و سپس در رابطه با این نیرو از آنان سوال کرده و عده ای نیز برای مطلع کردن دوستان خود را از حضور گارد آزادی در داخل شهر، تلاش میکردند. در این حضور متهورانه، واحد های شرکت کننده توانستند بصورت حضوری صد ها نفر از اهالی شهر میروان را دیدار و ملاقات کنند و با همکاری خود آنان نیز هزاران نسخه از ادبیات حزب حکمتیست را میان مردم و مسافری ماشین های در حال عبور پخش کنند. خبر این حضور قدرتمند بلافاصله با موجی از شادی و خوشحالی در سطح شهر میروان روبرو گشت. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست و فرماندهی گارد آزادی در همین رابطه به واحد های شرکت کننده در این عملیات متهورانه و مملو از کاردانی و جسارت درود میفرستند و دست پر مهر این پیام آوران آزادی و برابری را بگرمی میفشارند.

فرماندهی گارد آزادی، کمیته کردستان حزب حکمتیست
عبداله دارابی

21 مهرماه 1385 برابر با 13 اکتبر 2006

محاكمه چند باره كارگران سقز را محكوم ميكنم!

برهان ديوارگر

Borhandivargar2006@yahoo.com

اخراج و بيكارسازي، عليه حمله به دانشگاه و حمله به زنان و هر اقدام ديگر آنها عليه مردم بايد ايستاد. اما گره اصلي پراكندگي ما است. گره اصلي عدم ايجاد صفي متحد از كارگر و معلم و پرستار و دانشجو و دانش آموز در مقابل اين توحش است. اين را بايد ايجاد كرد. ايجاد اين صف همبسته و اين اتحاد و دفاع از هم ضامن پيروزي ما و ضامن ايجاد شرايطي انساني تر براي همه ما مردم محروم در اين جامعه است. اما سوال اين است كه پاي اين اقدام و ايجاد اين اتحاد خواهيم رفت. اين ديگر به فعالين كارگري به رهبران دلسوز و راديكال در مراكز كارگري، در دانشگاه، در ميان معلمان و در هر محله و شهر و مكاني بستگي دارد. اين به تصميم ما و به تلاش و نقشه ما و به درك اهميت اين مهم از جانب ما بستگي دارد. آيا زمان ايجاد صفي متحد و تلاش انساني و سراسري در تقابل با اين توحش فرا نرسيده است؟

نمايندگان آنها، به كارگران ايران خودرو، به نمايندگان كارگران پيريس سنندج و نساجي بابلسر و دهها مركز كارگري آورده اند. اين اقدامات گوشه بسيار كوچكي از تعرضي ارتجاعی به سطح معيشت طبقه كارگر و هر نوع آزادي و ابراز وجود كارگران و مردم ناراضي است. ميخواهند با اين اقدامات زبان اعتراض مردم را ببرند. معلمان ناراضي را اخراج ميكنند، دانشجويان حق طلب و انسانيست را احضار و از تحصيل محروم ميكنند و تعدادی را روانه زندان ميكنند. زنان را تحت فشار ميگذارند تا به محروميت و قبول آياتايد جنسي و تحقير و توهين به خود تن دهند و سر تسليم فرود آورند. به خانه های كارگران در محله اكباتان حمله ميكنند و در كمال بي شرمي ميخواهند كانال تلويزيون و زنگي خصوصي ما را هم تعيين كنند و ماهواره ها را با خود ميبرند. تمام اين كارها در يك راستا و ان ايجاد فضاي تحميق و افزايش بي حقوقی براي مردم و تامين ماندگار حكومت اسلامي است. بدون ترديد در مقابل اين تعرض بايد ايستاد. عليه محاكمه كارگران سقز، عليه حمله به اعتراض و اعتصاب كارگري، عليه

حكيمي از طرف دادگاه انقلاب صادر شده است، روزهای ۲۴ و ۲۶ مهر و ۱۰ آبان آنها بايد در داگه حاضر شوند و به جرم مراسم روز كارگر در شهر سقز براي چندمين بار محكمه شوند. خود من به همين جرم ۲ سال حكم تعزیری گرفته و تازه پرونده دوم هم دارم كه جرايم سنگين تری از اولی از سازماندادهن اعتصاب عمومي در شهر سقز تا مسائل ديگري را در آن جمع کرده اند.

آنچه مسلم است احضار و دادگاهي كردن اين دوستان و من و امثال من و طول دادن چند ساله به ان، تهديدي است عليه كل فعالين كارگري و مردم. اين اقدامات جدا از اينكه ابراز زور و قلدری جمهوری اسلامي عليه ما است، همزمان وسيله فشار و تهديد كارگران و مردمی است كه ميخواهند سر به تن جمهوری اسلامي نماند. اين اقدامات ادامه فشاری است كه به كارگران مراكز ديگر، به كارگران شركت واحد و رهبران و

ماجرای اول ماه مه سال ۸۳ سقز و دستگيري تعدادی از فعالين كارگري و شركت كنندگان در اين مراسم داستان دراز چند ساله گذشته در اين شهر بوده كه كمالك ادامه دارد. ماجرای زندانی و بازداشت و احضار و تهديد ما جمعی از فعالين كارگري در اين مدت نه تنها در ايران بلكه در سطح بين المللی نیز به يکی از مسائل مطرح تبديل شده است. تا كنون از سقز و سنندج تا تهران و شهرهای مختلف، از ايران تا دههای كشور اروپايی و كانادا و آمريكا و تعدادی از كشورهای آسیايی، اعتراضات زيادی از جانب اتحاديه های كارگري و نهادها و احزاب و جريانات مختلف به فشار جمهوری اسلامي عليه ما شده است. با تمام اينها انگار داستان دادگاهي و محاكمه و احضار و فشار به ما آخري نخواهد داشت. بر مبنای احضاریه های كه برای آقایان جلال حسيني، محمود صالحی و محسن

اطلاعيه شماره ۱

مردم مبارز مريوان!

گارد آزادی برای حفظ حرمت شما و برای دفاع از آزادی و انسانيت در ميان شما و شبانه روز در كنار شما است. جوانان و بچه های محل!

مامورانی را كه برای جمع آوری ماهواره به محلات و خانه هایتان هجوم می آورند با پرتاب سنگ و با هو كردنشان رسوا و سرافكانده به عقب نشيني وادار كنيد.

رانندگان تاكسي و صاحبان ماشينهای شخصی!

با تجمعات اعتراضيتان لغو جيره بندی بنزين را به دولت تحمیل كنيد.

مردم، جوانان!

در مقابل تعرض دشمن به آزادی و حرمت انسانی و به نان سفره مان بايد مقاومت كنيم. ما ميتوانيم و بايد هر گونه دخالت ماموران رژيم در زندگيمان و هر گونه دست درازی به آزادی و معيشتمان را به عقب برانيم.

واحد ۲۰۳ گارد آزادی از شما مردم، از شما جوانان ميخواهد كه با ما و دست در دست همديگر از آزادی و معيشت و از حرمت انسايمان دفاع كنيم.

زنده باد آزادی و برابری
مرگ بر جمهوری اسلامي
واحد ۲۰۳ گارد آزادی- مريوان



به كميته كردستان حزب حكمتيست كمك مالی كنيد!
كمك های مالی خود را به طريق ممكن بدست ما برسانيد!

دستيار سردبير:

esmail.waisi@gmail.com

دبير كميته كردستان:

h_moradbiegi@yahoo.com
Tel: 0046762737560

سردبير:

sharifi_abdollah@yahoo.com
Tel: 0046704007620

به حزب كمونيست كارگري- حكمتيست پيونديد!